

از مهم ترین آثار منظوم او می توان به منظومه ای اشاره کرد که عده ای آن را «صراط السطور»، برخی آن را «رساله منظوم در علم خط نستعلیق» و همچنین میرعلی هروی آن را «صراط الخط» نامیده است. این هنرمند بزرگ به سال ۹۲۶ هـ. در سن نودسالگی در مشهد درگذشت و در کنار آرامگاه امام رضا (ع)، متصل به آرامگاه امیرعلیشیرنویی و مدرسه ی شاهرخ، نزدیک پنجریه فولاد، مدفون گردید.<sup>۷</sup> چنین می نماید که او پس از درگذشت سلطان حسین بایقرا و فقدان امیرعلیشیرنویی و به خصوص تهاجم اوزبکان، هرات را ترک کرده و به زادگاه خود مشهد بازگشته است. اوزبکان که از ماترک جوجی، فرزند چنگیزخان، حکومت نسبتاً معتبری در دشت قبچاق و اطراف آن ترتیب داده و پیوسته از جانب شمال و شرق دریای مازندران قلمرو تیموریان را مورد تهدید قرار می دادند سرانجام توانستند تهاجم های خود را به شدت آغاز نمایند و حکومت تیموری را مورد تهدید جدی قرار دهند و قتل و غارت و ویرانی بر جای گذارند.<sup>۸</sup>

درباره ی زندگی سلطان علی مشهدی دکتر مهدی بیانی چنین می نویسد: او در هفت سالگی پدر خود را از دست داد؛ و مادرش به تعلیم و تربیت وی همت گماشت. از کودکی به مشق خط پرداخت؛ آن چنان که در بیست سالگی شهره گشته و در مدرسه و به گونه ی جدی به تعلیم خط می پرداخت. او که گرایش های صوفیانه داشت، بسا روزها که روزه دار بود؛ و پس از اتمام کار خوشنویسی، به زیارت امام رضا (ع) می رفت و به عبادت می گذراند. سلطان علی مشهدی درویش مسلک، زاهد، پرهیزگار و دانشمند بود. او در اثر ممارست به زودی در سلک استادان خوشنویس و سپس مشهورترین آنان در زمان خود درآمد. وی را با عنوان های «مولانا نظام الدین»، «قبلة الكتاب»، «زبدة الكتاب» و «کاتب السلطانی» خوانده اند.<sup>۹</sup>

#### سلطان علی مشهدی و خط نستعلیق:

در اواسط قرن هفتم هجری در ایران، از تلفیق دو خط «رقاع» و «توقیع» خطی به وجود آمد که آن را «تعلیق» نام نهادند؛ و اغلب کتاب ها در این قرن و قرن هشتم هجری به این خط نوشته می شد. این خط به مرور ایام تکامل یافت و «شکسته تعلیق» نیز بر آن افزوده شد. در اواخر قرن هشتم هجری با تلفیق خط «تعلیق» با «نسخ»، خطی به وجود آمد که آن را «نسخ - تعلیق» نام نهادند و به تدریج به «نستعلیق» شهرت یافت. این خط شیوه ای کاملاً ایرانی و یکی از زیباترین خطوط ششگانه به شمار می رود.

اولین خوشنویسی که این خط را ابداع و آن را از سایر خطوط مجزا ساخت، میرعلی تبریزی، یکی از خوشنویسان شهیر بود، به گونه ای که سلطان علی مشهدی، میرعلی را استاد مسلم خط نستعلیق دانسته است.<sup>۱۰</sup> گفته می شود که سلطان علی مشهدی که از نوجوانی تحت تعلیم خوشنویسی عالی مقام به نام اظهر تبریزی بوده، راه استاد میرعلی را ادامه داد و به این شیوه ی جدید انسجام بخشید. وی تعدادی از معروف ترین نسخه های خطی این دوره را به وجود آورده است؛ از قبیل: بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ، مناجات نامه ی خواجه عبدالله انصاری،

دیوان امیر خسرو دهلوی. او که در هرات با شاعر نامی عبدالرحمن جامی، شاعر نامدار دوستی پیدا کرده بود، بسیاری از آثار منظوم و منثور او را نیز به خط خوش نگاشت.<sup>۱۱</sup> امروزه تعداد نسبتاً زیادی از آثار این هنرمند بزرگ بر جای مانده؛ که زیور موزه ها و کتابخانه های معتبر دنیا است؛ و می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: کتیبه ها، کتاب ها، قطعات و مرقعات.<sup>۱۲</sup>

از آن چه گذشت می توان سلطان علی مشهدی را پدر خط نستعلیق دانست؛ کسی که سراسر عمر پربار و دراز خود را صرف تکامل بخشیدن به این هنر ارزنده ی عهد اسلامی به طور کلی و هنر عهد تیموری - عهد سلطان حسین بایقرا - به طور اخص نمود و آثار گرانبها و مهمی از خود بر جای گذاشت.

سلطان علی مشهدی که معاصر با کمال الدین بهزاد، نقاش شهیر این دوره بود؛ و هر دو با هم در کتابخانه ی سلطنتی و کتابخانه ی امیرعلیشیرنویی به کار اشتغال داشتند، شاهکارهایی آفریدند که هنر عهد تیموری را از هنر قبل و بعد از آن، به گونه ای شاخص، متمایز ساخت.

#### پی نوشت ها:

- ۱ - عبدالحی حبیبی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۲۵۳۵، ص ۹۱.
- ۲ - تاریخ ایران (دوره تیموریان)، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه ی دکتر یعقوب آژند، انتشارات جامی، تهران ۱۳۸۲، چاپ دوم، ص ۴۰۵ و ۴۰۶.
- ۳ - خواند امیر، تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، انتشارات خیام، تهران ۱۳۵۳، چاپ دوم، ص ۳۵۱.
- ۴ - تاریخ ایران - دوره تیموریان، ص ۴۰۳.
- ۵ - خواند امیر، همان کتاب، همان جلد، ص ۲۵۲.
- ۶ - خواند امیر، همان کتاب، همان جلد، ص ۳۸۶.
- ۷ - خواند امیر. همان کتاب، همان جلد، ص ۳۵۲. تاریخ روضه الصفا، انتشارات خیام، ج ۷، تهران ۱۳۵۱، ص ۳۰۳، ۳۰۴. دکتر مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱ و ۲، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۳۵ تا ۲۴۱.
- ۸ - تاریخ ایران - دوره ی تیموریان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.
- ۹ - دکتر مهدی بیانی، همان کتاب، همان جلد، ص ۲۶۶ تا ۲۴۱.
- ۱۰ - دکتر شیرین بیانی، تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲، ص ۳۴۶ - ۳۴۷.
- ۱۱ - تاریخ ایران - دوره تیموریان، ص ۴۰۳. و دکتر مهدی بیانی، همان کتاب، همان جلد، ص ۲۴۵.
- ۱۲ - برای توضیح بیشتر درباره ی سلطان علی مشهدی رک. دکتر مهدی بیانی، همان کتاب، همان جلد، ص ۲۴۱ تا ۲۶۶.

#### منابع:

- ۱ - بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱ و ۲، انتشارات علمی، چاپ دوم تهران، ۱۳۶۳.
- ۲ - بیانی، شیرین، تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۳ - تاریخ ایران - دوره ی تیموریان، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه ی دکتر یعقوب آژند، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۴ - حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۲۵۳۵.
- ۵ - خواند امیر. تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، انتشارات خیام، تهران ۱۳۵۳.
- ۶ - میرخواند. تاریخ روضه الصفا، ج ۷، انتشارات خیام، تهران ۱۳۵۱.

# سلطان علی مشهدی و خط نستعلیق

دکتر شیرین بیانی



سلطان حسین بایقرا (۸۴۳-۹۱۱ هـ.) از نوادگان عمر شیخ، و از مهم‌ترین فرمانروایان خاندان تیموری، گذشته از دارا بودن شهرت در سیاست‌مداری و ملکداری و پیشه‌ساختن عدل و داد، سازندگی، مرمت ویرانی‌های ناشی از جنگ‌های خانمان سوز داخلی و خارجی، از جهت فرهنگی نیز شهرت بسیار دارد و باید عهد فرمانروایی وی را یکی از مهم‌ترین و شکوفاترین ادوار فرهنگی و

تمدنی ایران عصر اسلامی به‌شمار آورد. او مردی روشنفکر، ادیب، هنرمند و هنرپرور بود و هرات پایتخت، در اوج رونق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برتارک شهرهای ایران درخششی خاص داشت؛ به این ترتیب از اطراف و اکناف ایران، دانشمندان، هنرمندان و ادیبان به جانب هرات و دربار سلطان حسین بایقرا روانه بودند؛ و سلطان نیز اگر خبر از هنرمندی خارج از هرات می‌یافت، او را نزد خود فرامی‌خواند. از میان این شخصیت‌های شهیر، سلطان علی مشهدی چهره‌ای نمایان و خوشنویسی کم‌نظیر بود که خط نستعلیق را که چندی پیش از وی ابداع گردیده بود، به صورتی جلوه‌گر ساخت که در جهان شهره شد. خط و خوشنویسی در زمان سلطان حسین بایقرا در اوج شکوفایی و زیبایی خود قرار گرفت.<sup>۱</sup> مهم‌ترین دلیل آن توسعه کتابخانه‌های بزرگ در شهر هرات و نگاشتن کتاب در زمینه‌های مذهبی (به خصوص قرآن) علمی، تاریخی و هنری بود، که می‌بایست در کتابخانه‌ی سلطنتی و سایر کتابخانه‌ها جای گیرد؛ و به خطی خوش، همراه با تذهیب و گاه نقاشی نگاشته شود. می‌توان خوشنویسی را نیز همراه با نقاشی این عصر در «مکتب هرات» گنجانید. در کتابخانه‌ها و

مدارس، فن کتابت و خوشنویسی تدریس می‌گردید؛ و هنرمندان این فن و هنر، مورد توجه خاص سلطان و بزرگان بودند و در خدمت آنان به کار گماشته می‌شدند؛ به گونه‌ای که نمونه‌های بسیار نفیسی از خوشنویسی این دوران در دست است.<sup>۲</sup> به دنبال این پیشرفت و رونق در هنر خطاطی، که از چندی پیش آغاز شده بود، در هرات محیطی فراهم آمد تا خطاطان بتوانند با آرامش خیال به کار بپردازند. مهم‌ترین خوشنویس این دوره سلطان علی مشهدی بود، که به

قول خواند امیر: «به و جاهت صورت و محاسن سیرت موصوف بود»<sup>۳</sup> سلطان حسین بایقرا که آوازه‌ی هنر وی را شنیده بود، او را از مشهد به هرات دعوت کرد و در کتابخانه‌ی سلطنتی به کار گماشت.<sup>۴</sup> خواند امیر در این باره می‌نویسد: این هنرمند «آن مقدار مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدمین و متاخرین را منسوخ ساخت»<sup>۵</sup>. امیر علیشیر نوایی قدرتمندترین شخصیت سیاسی - فرهنگی این زمان و یار و یاور سلطان حسین، نیز او را بسیار می‌ستود و شیوه‌ی هنرش را بر سایر خطاطان ترجیح می‌داد؛ بدین جهت او «سال‌ها در کتابخانه‌ی معموره‌ی حضرت میر کتابت می‌کرده و به خطی او فر بهره ور بوده است»؛<sup>۶</sup> بدین ترتیب می‌توان دریافت که سلطان علی مشهدی چندی در کتابخانه‌ی سلطنتی و چندی دیگر در کتابخانه‌ی خصوصی امیر علیشیر نوایی به کار اشتغال داشته است. خواند امیر در بخشی دیگر درباره‌ی او می‌نویسد: سلطان علی مشهدی همواره به خواست سلطان و «به التماس» امیر علیشیر نوایی، که او نیز کتابخانه‌ای معظم داشت «به کتابت نسخ شریف می‌پرداخت»؛ و شعر نیز می‌سرود؛ از جمله بیت زیر از وی است: